

الْتَّمَارِين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

چه واژه ای از کلمه های لغتنامه درس با توضیحات زیر متناسب است.

- ۱- **آلَهُ ذَاتِ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنَّ عَرِيضَةٍ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا:** پاسخ: **الْفَأْسُ** : تبر
وسيله ای دارای دسته ای چوبی و دندان های عریض از آهن که به کمک آن (اشیا) قطع
- ۲- **تِمَثَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ:** پاسخ: **الصَّنَمُ**: بت
مجسمه ای از چوب یا آهن به غیر از خدا که پرستیده می شود.
- ۳- **عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ:** پاسخ: **الْكُتْفُ**: شانه
عضوی از اعضای بدن که بالای تنه قرار می گیرد.
- ۴- **الْتَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ:** پاسخ: **الْحَنِيفُ**: یکتاپرست
ترک کننده باطل و روی آورده به سوی دین حق.
- ۵- **إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ:** پاسخ: **بَدَّوْا يَتَهَامَسُونَ** : شروع به پیچ کردن
آنها بصورت پنهانی شروع کردند به سخن گفتن .

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُشَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَ لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ.
عبارتهای زیر را ترجمه کن سپس حرف مشابهة بالفعل و لای نفی جنس را مشخص

- ۱- **﴿قِيلَ 'ادْخُلِ الْجَنَّةَ' قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾** یس: ۳۶ و ۳۷ **لَيْتَ از حروف مشبهة بالفعل**
گفته شد: داخل بهشت شو. گفت: ای کاش، قوم من می دانستند. به اینکه پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داده است.
- ۲- **﴿... لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...﴾** التَّوْبَةُ: ۴۰ **«لا» قبل تَحْزَنُ = لای نهی است**
اندوهگین مباش که خدا با ماست.
- ۳- **﴿... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...﴾** الصَّافَّات: ۳۵ **«لا» قبل إله = لای نفی جنس است.**
هیچ خدایی جز خداوند نیست.
- ۴- **﴿لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ﴾** **«لا» قبل دین و عَهْد = لای نفی جنس است.**
هیچ دینی ندارد، کسی که هیچ وفای به عهده ندارد.
- ۵- **﴿إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ﴾** **إِنَّ حروف مشبهة**
همانا در سنت و آیین است که مرد با مهمان خود تا درب خانه برود
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

أ. اقْرَأِ الشَّعْرَ الْمَنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا. شعر منسوب به امام علی را بخوان؛ سپس ترجمه کلمه هایی را که زیرشان خط است مشخص کن.

أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمٌّ وَلِأَبٌ

ای که نابردانه افتخار کننده به **دودمان** هستی، مردم، تنها از یک مادر و یک **پدرانند**.

هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

آیا **آنان را می بینی** (می پنداری) که از نقره یا آهن، یا **مس** یا طلا آفریده شده اند؟

بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ^۱ هَلْ سَوَى^۲ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ^۳ وَ عَصَبٍ^۴

بلکه **آنان را می بینی** از **تکه گلی** آفریده شده اند. آیا به جز گوشت و **استخوان** و پی اند؟

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

تنها افتخار، به عقلی استوار، **شرم**، پاکدامنی و ادب است.

ب. اسْتَخْرِجْ مِنَ الْآيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

اسم الفاعل: الفَاخِرُ، ثَابِتٍ / الفِعْلَ الْمَجْهُولَ: خُلِقُوا / الصِّفَةُ وَ الْمَوْصُوفَ: عَقْلٍ ثَابِتٍ

الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ: بِالنَّسَبِ، لَأُمٍّ، لِأَبٍ، مِنْ فِضَّةٍ، مِنْ طِينَةٍ، لِعَقْلِ.

لا يُذَكَّرُ: لای نفی مضارع مجهول
لا بَرَكَةً: لای نفی جنس

الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

حدیث های نبوی را ترجمه کن سپس آنچه را از تو خواسته شده مشخص کن.

۱- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَوْعُ لَا)

هر خوراکی که اسم خداوند بر آن یاد نشود، هیچ برکتی در آن نیست.

۲- لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْعُصْبَ مَفْسَدَةٌ^۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (نَوْعُ الْفِعْلِ) ← فعل نهی

خشمگین مشو؛ پس بی گمان خشم مایه تباهی است.

۳- لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَ نَوْعُ لَا)

هیچ تهیدستی ای سخت تر از نادانی و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست. التفکر / لا نفی جنس

۴- لَا تُطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (نَوْعُ لَا، وَ مُفْرَدٌ «مَسَاكِينَ»)

مسکینان را از آنچه نمی خورید خوراک ندهید. لا تُطْعَمُوا: لای نفی / لا تأكلون: لای نفی مضارع / مسکین

۵- لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (فِعْلُ النَّهْيِ، وَ مُضَادُّ عَدَاوَةٍ)

..... مردم را دشنام ندهید؛ که با این کار میانشان دشمنی به دست می آورید. لا تَسُبُّوا / صدقه

۶- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُنُوا^۲ نَقَادَ الْكَلَامِ.

مضاف الیه مفعول / مضاف الیه (الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ لِمَا تَحْتَهُ خَطًّا)

حق را از اهل باطل بگیرید و باطل را^۱ از اهل حق نگیرید؛ سخن سنج باشید.

الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

تَرْجِمْ أَنْوَاعَ الْفِعْلِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ. انواع افعال را در جمله های زیر ترجمه کنید.

۱- رَجَاءً، أَكْتُبَنَّ حَلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زَمِيلَاتِكُنَّ.	لطفاً حلّ پرسش ها را با هم کلاسی هایتان بنویسید.
۲- إِنْ تَكْتُبَ بِعَجَلَةٍ، فَسَيُصْبِحُ خَطُّكَ قَبِيحًا.	اگر با عجله بنویسی، خطّ زشت خواهد شد.
۳- أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ ذِكْرِي فِي دَفْتَرِ الذُّكْرِيَّاتِ.	می خواهم [که] خاطره ای در دفتر خاطرات بنویسم.
۴- لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.	[انسان] خردمند، روی آثار تاریخی نخواهد نوشت.
۵- إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.	قطعاً او اندیشه هایش را روی کاغذ خواهد نوشت.
۶- عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ كَانَ يَكْتُبُ تَمَرِينَهُ.	هنگامی که او را دیدم، تمرینش را می نوشت.
۷- قَدْ يَكْتُبُ الْكَسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ.	تنبل، تمرین های درس را گاهی می نویسد.
۸- يَا تَلَامِيذُ، لِمَ لَا تَكْتُبُونَ التَّرْجَمَةَ؟	ای دانش آموزان، چرا ترجمه را نمی نویسید؟
۹- رَجَاءً، لَا تَكْتُبُوا عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ.	لطفاً روی جلد کتاب ننویسید.
۱۰- هِيَ قَدْ كَتَبَتْ رِسَالَةً لِصَدِيقَتِهَا.	او نامه ای به دوستش نوشته است.
۱۱- لِنَكْتُبَ جُمْلًا جَمِيلَةً فِي دَفَاتِرِنَا.	در دفترهایمان جمله هایی زیبا باید بنویسیم.
۱۲- أَنَا لَمْ أَكْتُبْ وَاجِبَاتِي أَمْسٍ.	من دیروز تکلیف هایم را ننوشتم.
۱۳- مَا كَتَبْنَا شَيْئًا عَلَى الْجِدَارِ.	روی دیوار چیزی ننوشتیم.
۱۴- كُتِبَ حَدِيثٌ عَلَى اللَّوْحِ.	حدیثی روی تخته نوشته شد.
۱۵- كَانُوا يَكْتُبُونَ الْأُجُوبَةَ.	جواب ها را می نوشتند.
۱۶- كَانُوا قَدْ كَتَبُوا دَرَسَهُمْ.	درسشان را نوشته بودند.
۱۷- يَكْتُبُ نَصَّ قَصِيرٍ.	متنی کوتاه نوشته می شود.

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ:

اقْرَأْ هَذِهِ الْأَنْشُودَةَ؛ ثُمَّ تَرْجِمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. این سروده ها را بخوان؛ سپس آنها را به فارسی برگردان.

يا إلهي، يا إلهي *** يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ	ای خدای من، ای خدای من، ای برآورنده دعاها.
اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيدًا *** وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ	امروز را خوش اقبال و پر برکت قرار بده
وَ اَمْلَأِ الصَّدْرَ اِنْشِرَاحًا *** وَ فَمِي بِالْبَسَمَاتِ	و سینه ام را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.
وَ اَعْنِي فِي دُرُوسِي *** وَ اَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ	و مرا در درس هایم و انجام تکالیف یاری کن.
وَ اُنِرْ عَقْلِي وَ قَلْبِي *** بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ	و عقل و دلم را با دانشهای سودمند نورانی کن
وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي *** وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ	و موفقیت را بختم و بهره ام در زندگی قرار بده.
وَ اَمْلَأِ الدُّنْيَا سَلَامًا *** شَامِلًا كُلَّ الْجِهَاتِ	و دنیا را از صلحی فراگیر از همه جهت پر کن.
وَ اَحْمِنِي وَ اَحْمِ بِلَادِي *** مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ	از من و از کشورم در برابر حوادث بد محافظت کن.

التمرین السابع:

ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. در جای خالی کلمه مناسب را بگذار.

۱- قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) : «... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.»

امام حسن فرمودند: «همانا بهترین خوبی، اخلاق نیکو است» (أَنَّ □ إِنْ □ لَكِنَّ □)

۲- سَأَلَ الْمُدِيرُ: أَمْ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: «... طَالِبٌ هُنَا.»

از مدیر پرسیده شد: آیا در مدرسه دانش آموزی هست؟ او پاسخ داد: هیچ دانش آموزی اینجا نیست. (لَآ □ لَا □ فَإِنَّ □)

۳- حَضَرَ السُّيَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ ... الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ.

گردشگران در سالن فرودگاه حاضر شدند؛ اما راهنما حاضر نشد. (أَنَّ □ لَكِنَّ □ لَعَلَّ □)

۴- تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: «... الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا!»

کشاورز آرزو داشت: کاش باران بسیار ببارد. (كَأَنَّ □ لِأَنَّ □ لَيْتَ □)

۵- لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ - ... جَائِعٌ.

چرا کودک می گرید؟ - زیرا او گرسنه است (أَنَّهُ □ لِأَنَّهُ □ لَيْتَ □)

التمرین الثامن:

أَكْمَلْ تَرْجَمَهُ هَذَا النَّصَّ؛ ثُمَّ اكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. ترجمه این متن را کامل کن؛ سپس محل اعرابی کلمه های را که زیر آنها خط است بنویس.

حِينَ يَرَى «الطَّائِرُ الذَّكِيَّ» حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قَرَّبَ عُشَّهُ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ^۲.

فاعل مفعول صفت مضاف اليه

فَيَتَّبِعُ^۳ الْحَيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْقَرِيْسَةَ^۴، وَ يَبْتَغِدُ عَنِ الْعُشِّ كَثِيرًا. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ^۵ الطَّائِرُ

فاعل صفت جار و مجرور

مِنْ خِدَاعِ^۶ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ وَ انْقِاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ بَعْتَةً.

مجرور مضاف اليه

پرنده باهوش هنگامی که جانور... درنده ای... را نزدیک لانه اش می بیند، روبه رویش وانمود می کند که... بالش... شکسته است، در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می کند و از لانه بسیار... دور می شود.... و وقتی که این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی.... جوجه هایش... مطمئن می شود.... ناگهان... پرواز می کند.